عکس: AP

کارشناس مسائل امریکا در گفت‌وگو با «ایران» مطرح کرد

اتاق جنگ غزه در واشنگتن است

گفت وگو

محمدمهدی عباسی، پژوهشگر مسائل امریکا در گفت‌وگو با روزنامه ایران به نحوه سیاستگذاری‌های واشنگتن در مواجهه با بحران فعلی رژیم صهیونیستی پرداخته است. به اعتقاد عباسی، تأثیر ملموس لابی‌های صهیونیستی و بنگاه‌های صنعتی-نظامی، از عوامل چرایی عدم توقف جنگ در غزه است. این مصاحبه را از نظر می‌گذرانید؛

تلاش‌های واشنگتن برای جلوگیری از تصویب قطعنامه آتش‌بس و توقف کشتار غیرنظامیان غزه به چه دلیل است؟ آیا بدان معناست که امریکا به‌عنوان عضو دائم شورای امنیت، از دکترین انتقام همه‌جانبه در غزه حمایت می‌کند؟

لابی‌گری در امریکا امری قانونی به‌شمار می‌آید. دیوان‌عالی امریکا در سال ۲۰۱۰ میلادی، تصمیمی جنجالی با عنوان «سیتیزن‌یونایتد» اتخاذ کرد که مطابق آن، ممنوعیتی برای حمایت لابی‌های بسیاربزرگ از نامزدهای انتخاباتی در امریکا وجود ندارد. از این پس، ورود مقوله پول به عرصه انتخاباتی امریکا رشد گسترده‌ای یافت. تا جایی که طبق آمارها، ۸۹ درصد نامزدهایی که در انتخابات کنگره امریکا بیشتر خرج کرده بودند، برنده انتخابات شدند. این مقوله تأثیر لابی‌ها را در انتخابات امریکا نشان می‌دهد. در جریان چنین فرایند سیاسی‌ای، نامزدها به لابی‌ها وابسته می‌شوند. لابی صهیونیستی معروف به «آیپک» یکی از بزرگترین لابی‌های ایالات‌متحده است که بسیاری از سیاستمداران امریکایی به آن وابسته‌اند و حتی در همایش‌های آن سخنرانی هم می‌کنند.

طبیعی است که منافع چنین لابی‌هایی، در تداوم جنگ در منطقه خاورمیانه و به‌خصوص نوار غزه باشد.

از سوی دیگر، کلیدواژه مهمی در امریکا موسوم به مجتمع صنعتی و نظامی وجود دارد. این جریان که نفع قابل‌توجهی از تداوم جنگ‌ها می‌برد، روی بسیاری از سیاستمداران امریکا اعمال نفوذ فراوانی دارد. در این میان، جریان جمهوری‌خواه در امریکا تمایل بیشتری به تداوم جنگ دارد؛ همچون لیندسی گراهام، سناتور مشهور جمهوری‌خواه که گفته بود تأسیسات نفتی ایران را هم بمباران کنیم و سناتور تد کروز و چهره‌های دیگر که خواهان حمایت گسترده امریکا از رژیم صهیونیستی و تداوم جنگ هستند.

مایک جانسون، رئیس جدید مجلس نمایندگان امریکا هم، اولین قطعنامه‌ای که در کنگره امریکا به‌تصویب رسانده در حمایت از اسرائیل بوده است و حالا هم به‌دنبال این هستند که ۱۶میلیارد دلار بسته مالی و کمکی برای اسرائیل به تصویب برسانند. نفع چنین جریاناتی به‌دلیل وابستگی گسترده‌ای که به لابی‌های اسرائیلی و یهودی و مجتمع صنعتی- نظامی امریکا دارند در تداوم جنگ است. البته دموکرات‌هایی هم هستند که بر آتش جنگ می‌دمند. هیلاری کلینتون

در یک اظهارنظر جنجالی اعلام کرد که من مخالف آتش‌بس در نوار غزه هستم. این نوع موضع‌گیری نشان می‌دهد اعمال نفوذ لابی‌های صهیونیست، به دموکرات‌ها هم کشیده شده است. البته نباید فراموش کرد که جو باید هم ارتباط خوبی با آیپک داشته و بسیاری از وزرای دولت وی هم یهودی هستند.

> نفع چنین جریاناتی به دلیل وابستگی گسترده ای که به لابی های اسرائیلی و یهودی و مجتمع صنعتی- نظامی امریکا دارند در تداوم جنگ است. البته دموکرات هایی هم هستند که بر آتش جنگ می دمند

مقامات امریکایی در روزهای اخیر کوشیده‌اند اذهان جهانی را از توجه به حملات مرگبار اسرائیل علیه غیرنظامیان در نوار غزه معطوف به اتهاماتی علیه جمهوری اسلامی کنند و بگویند که مسئولیت حمله به پایگاه‌های نظامی امریکا در سوریه و عراق متوجه ایران است. این اقدام با چه هدفی از سوی امریکایی‌ها انجام می‌شود؟

مدیریت رسانه‌ای جنایات اسرائیل و همچنین جنگ اخیر، برعهده امریکایی‌ها بوده است. از دروغ سر بریده شدن ۴۰ کودک توسط حماس که از سوی یک رسانه امریکایی یعنی سی‌ان‌ان مطرح شد، تا ماجرای حمله به بیمارستان المعمدانی در غزه که رسانه‌های امریکایی آن را ناشی از برخورد راکت حماس دانسته‌اند، نشان‌دهنده همین رویکرد است. کمااینکه رئیس‌جمهور امریکا هم این موضع رسانه‌های خود را تکرار کرد. به‌علاوه آنکه مقامات امریکایی قصد داشتند تلفاتی که حماس و وزارت بهداشت فلسطین اعلام می‌کند، را اشتباه قلمداد کنند تا جنایات رژیم صهیونیستی را تقلیل دهند. امریکایی‌ها همواره راهبرد «نشانی اشتباه» پرچم اشتباه یا (False Flag) را به‌کار گرفته‌اند. به این معنی که بتوانند بهانه‌ای برای حضور نظامی و جنگ‌افروزی خود دست و پا کنند.

وقوع حملات جدی به پایگاه‌های امریکا در منطقه، خروش محور مقاومت بوده است. طبق آمارهای رسمی ۹۰۰ نیروی نظامی جدید امریکایی به منطقه آمده و جنگنده‌های زیادی ارسال شده است. امریکایی‌ها سامانه تاد و پاتریوت و دو ناو هواپیمابر بزرگ آیزنهاور و جرالدفورد را به منطقه آورده‌اند. در چنین شرایطی برای ارتش ایالات‌متحده و رژیم صهیونیستی خیلی زشت است که بخواهند بگویند این همه توان نظامی برای مقابله با یک جنبش مقاومتی به نام حماس، بسیج شده است. آنها باید یک دشمن بزرگتری به نام ایران را مطرح کنند تا بتوانند حضور نظامی گسترده و حمایت‌های خود از رژیم صهیونیستی را توجیه کنند.

پاسخ ایران چه می‌تواند باشد؟

پاسخ ایران مشخص است. صریحاً اعلام شده که هدایت گروه‌های مقاومت از جانب ایران نیست اما جمهوری اسلامی همواره حمایت جدی از محور مقاومت انجام داده است. خود امریکایی‌ها هم به این موضوع واقف هستند که جواب ایران جواب سختی خواهد بود. چند روز پیش تاکر کارلسون، مجری معروف فاکس‌نیوز مصاحبه‌ای با مک گرگور، ژنرال بازنشسته مشهور امریکایی داشته است. او در آنجا از هزینه‌های جنگ با ایران گفت. گفت که ۲۰ درصد نفت و ۲۵ درصد گاز جهان، از تنگه هرمز عبور می‌کند که می‌تواند برای غربی‌ها در صورت گسترده‌شدن جنگ، هزینه جدی داشته باشد. او همچنین از توان موشکی قوی ایران گفت که می‌تواند تل‌آویو و حیفا را با خاک یکسان کند و یا به پایگاه‌های امریکا در منطقه آسیب بزند. از توان بین‌المللی ایران و حزب‌الله در مرزهای جنوبی امریکا هم گفت که برای اولین‌بار مطرح می‌شد. این نشان می‌دهد که خود امریکایی‌ها هم به‌خوبی می‌دانند که جنگ با ایران هزینه زیادی برای آنها خواهد داشت.

مقامات امریکایی چند پیام به مقامات ایران هم ارسال کرده‌اند. هرچند روی صحبت‌شان هم به ایران و هم حزب‌الله بوده اما گویا اقدام حزب‌الله برای امریکایی‌ها از اهمیت بیشتری برخوردار است....

امریکایی‌ها از توان گسترده حزب‌الله آگاه هستند و این را هم می‌دانند تا زمانی که بسیاری از خط قرمزهایی که از سوی امیرعبداللهیان در سازمان ملل مشخص شده، زیر پا گذاشته نشود، ایران ورود مستقیمی به این درگیری نخواهد داشت. بنابراین همان راهبرد همیشگی حمایت از نیروهای نیابتی را خواهد داشت. اما یک چیز را به خوبی می‌دانند و آن اینکه رژیم صهیونیستی در حال حاضر توان درگیری در چند جبهه را ندارد. بویژه قدرت بزرگی مانند حزب‌الله لبنان که همگان از توان موشکی و عملیاتی حزب‌الله آگاه هستند. رژیم صهیونیستی تجربه تلخی از جنگ ۳۳ روزه با حزب‌الله دارد. این امر آن‌قدر واضح است که دونالد ترامپ، رئیس جمهور سابق امریکا، چندین مرتبه در هفته‌های گذشته به هوش رهبران حزب‌الله اعتراف کرده است. لذا برای غربی‌ها مسلم است که نباید پای حزب‌الله به این جنگ باز شود چرا که جنگیدن در چند جبهه از توان صهیونیست‌ها خارج است.

جدای از بحث اسرائیل، برخی ناظران بین‌المللی معتقدند که امریکا منافع دیگری هم در منطقه دارد و به همین دلیل نمی‌خواهد جنگ در منطقه گسترش یابد. این منافع چیست؟

این تحلیل رایج وجود دارد که ایالات‌متحده از منطقه غرب آسیا خارج شده و حتی برخی می‌گویند که اخراج شده است. هر کدام از این تحلیل‌ها را که در نظر بگیریم، به این نتیجه می‌رسیم که منطقه غرب آسیا برای ایالات‌متحده، از اولویت سابق برخوردار نیست. طبق اسناد امنیتی امریکا، اصلی‌ترین تهدید ایالات‌متحده کشور چین است که می‌تواند در جایگاه ابرقدرتی امریکا قرار بگیرد. از سوی دیگر امریکا درگیر جبهه اوکراین است. تقابل با روسیه برای ایالات‌متحده اولویت مهمی است. او نمی‌خواهد ناتو تضعیف شود. بحران مرزی و مشکلات تورمی هم از مواردی است که دولت بایدن با آن مواجه است. اما در تاریخ ۷ اکتبر قواعد بازی تغییر کرد. فضا به سمتی رفته که دولت بایدن مجدداً به این منطقه ورود پیدا کند. اما هیچ تصمیم پیشینی برای ایالات‌متحده وجود ندارد که بخواهند در این منطقه بمانند. البته همین الان هم جریاناتی در امریکا هستند که تمایل قابل‌توجهی به آتش‌بس دارند و معتقدند که ایالات‌متحده اولویت‌های مهم‌تری دارد. این یعنی امریکا به این باور رسیده که منافع مهم‌تری از گسترش جنگ در غرب آسیا دارد.

خبر حضور فرماندهان سنتکام در قرارگاه زیرزمینی در تل‌آویو و در کنار فرماندهان صهیونیستی به گوش می‌رسد. ارزیابی شما چیست؟

به تعبیر یکی از نشریات امریکایی، اتاق مدیریت جنگ از تل‌آویو به واشنگتن منتقل شده است. این جمله شاید کمی اغراق باشد اما شواهد آن را می‌بینیم. هفته گذشته پنتاگون اعلام کرد می‌خواهد جیمز گلین، ژنرال سه‌ستاره امریکایی را به تل‌آویو اعزام کند تا به مدیریت و طراحی جنگ شهری به رژیم صهیونیستی کمک کند. غیر از این هم موارد زیادی از همکاری‌های پنتاگون با وزارت دفاع اسرائیل را شاهد هستیم. به تعبیر رهبر معظم انقلاب، مدیریت این جنایت، برعهده امریکایی‌هاست. یعنی در کنار شراکتی که در این جنگ دارد، مدیریت آن را هم برعهده گرفته است. هرچند راهبرد امنیت ملی امریکا راهبردی نبود که این کشور را در آسیا نگه دارد اما هفتم اکتبر ماجرا را تغییر داد و امریکا را در جایگاه مدیریت جنگ نشاند.

دیدگاه

شاخ و برگ اسرائیل وقتی چیده می‌شود که ریشه امریکا از منطقه کنده شود

سعید جلیلی
نماینده رهبر معظم انقلاب در شورای عالی امنیت ملی

دکتر جلیلی در آخرین سخنرانی خود در جمع دانشجویان دانشگاه امیرکبیر به تحلیل ۵ بخش از حوادث اخیر در غرب آسیا و مسأله «نظم نوین جهانی» پرداخته است که در ادامه از نظر می‌گذرانید؛

۱.بزنگاه جبران غفلت‌های تاریخ

هر چند طوفان‌الاقصی طومار نقشه‌های کهنه و تازه را به هم پیچید، اما در شرایط بزنگاه، لحظه‌ای درنگ و سستی یا تردید و عافیت‌طلبی کافی است تا استکبار دوباره نظمی دیگر را به صد سال آینده تحمیل کند. تاریخ نشان داده است استکبار حتی میان خرابه‌های نظم پیشین نیزدست از طراحی برای بازسازی نظمی جدید به نفع خود نمی‌کشد.

نظم جدید جهانی در پی کنش فعالانه بازیگران آن معماری می‌شود. با فرو ریختن نظم پیشین، ضمن تحلیل دقیق ریزش کنگره‌های کاخ ستمگران، باید بدون سستی و با ابتکار عمل غفلت‌های تاریخی را جبران و نقشی مؤثر ایفا کرد.

۲.طنین همیشه تازه نبرد نرم نقطه‌زن

عمق بینش امام(ره) در افشای دشمن اصلی هنوز هم جماهیری را در راستای ضربه به پایه‌های جور جهانی جهت‌دهی می‌کند. حضرت امام در مجموعه حرکت‌های خود در دهه چهل، پنهانِ پیچیده طرح‌های امریکا را برای تسلط بر منطقه از دل اصلاحات ارضی تا کاپیتولاسیون افشا کرد و دشمن اصلی را برای همیشه نمایاند. این عظمت حضرت امام بود که تا امروز الگوی بی‌مانند و درس‌آموز ماست تا بدانیم وقتی می‌گوییم باید روایت نظم جهانی را دانست و با بینشی عمیق به مسائل نگریست و روی ملل منطقه برای تحولات اساسی حساب باز کرد، یعنی چه.

هنر امام معطوف کردن مبارزه به آمر بود نه مأمور!

عظمت حضرت امام در آبان‌ماه ۴۳ این بود که عمق نقشه‌های تازه استکبار را افشا کرد. اهمیت نبرد نرم را نباید دست‌کم گرفت. طنین آن فریاد امام بود که یک به یک جهان اسلام را بیدار کرد و فتحی شقاقی‌ها و مغنیه‌ها را از حیرت و سرگردانی میان مکاتب و بازی خوردن به دست طراحان نظم جهانی، به صف مجاهدان تاریخ‌ساز امت پیامبر کشاند و خط مقاومت را چنان در ملل منطقه دمید که هنوز هم ندای آن روز امام، بینش‌بخش است.

هنوز هم تحولات امروز را می‌توان با رجوع به آن سخنرانی امام از نزدیک نگریست! این اهمیت یک اقدام نقطه‌زن نرم است که تا سال‌ها می‌تواند جماهیری را در راستای ضربه به پایه‌های جور جهانی جهت‌دهی کند و همچنان سرزنده نور بیفشاند و بینش ببخشد.

۳.فرماندهی مرکزی امریکا، مسئول الگوی غصب سرطانی در میانه جهان است

حضور پرشمار بالاترین مسئولین و فرماندهان نظامی امریکا در اتاق فرماندهی رژیم‌صهیونیستی نشان داد خوشدلانی که می‌پنداشتند می‌شود بین امریکا و اسرائیل فاصله انداخت در چه توهم پوچی غرق بودند. همین حضور فرماندهی مرکزی با مأموریت از لابی غاصب رژیم ایالات‌متحده گواهی است بر آن که اسرائیل نه یک ملت و نه یک دولت که خود متولی امور خود باشد، بلکه نماینده یک طبقه سیاسی سلطه‌گر است که تدبیر امور آن نیز مستقل از اراده و امکانات طبقه غاصب ساکن در شیطان بزرگ صورت نمی‌گیرد.

اینکه ایالات‌متحده نام نیروهای نظامی خود را در غرب آسیا «فرماندهی مرکزی» می‌نامد، خود نشان می‌دهد «مرکز» سلطه‌ای که غاصبان حاکم بر رژیم ایالات‌متحده در خواب می‌بینند تا از آنجا بر جهان سلطه برانند، کدام منطقه است.

خود نام «فرماندهی مرکزی» که امریکا روی نیروهای نظامی خود در منطقه گذاشته است، نشان می‌دهد نگاه امریکا به موقعیت این منطقه و مرکزیت آن برای سلطه بر جهان چیست.

رژیم‌صهیونیستی تکرار الگویی است که با آن پیوریتن‌ها، امریکا را پایگاه سلطه‌گری خود ساختند؛ اکنون همان الگو را تحت عنوان رژیم‌صهیونیستی برای غصب سرطانی میانه جهان تکرار کرده‌اند تا پایگاه فرماندهی سلطه‌گری خود را در میانه جهان برپا کنند. نیروهای امریکا در این منطقه، «فرماندهی مرکزی» نام گرفته‌اند که خود نشان می‌دهد از نگاه امریکا مرکز کجاست.

نیروهای نظامی امریکا در غرب آسیا «فرماندهی مرکزی» نام گرفته‌اند که خود نشان می‌دهد نزد غاصبان حاکم بر رژیم ایالات‌متحده مرکز کجاست و آرمان و پایگاه اصلی و مرکز حکمروایی سلطه‌گرانه آنها بیش از واشنگتن معطوف به تل‌آویو است و برای همین خود متولی امور آن هستند.

۴. الگوی اعلای دموکراسی امریکا برای خاورمیانه نوین

الگوی اعلای دموکراسی برای امریکا آن است که حرکت‌های آزادی‌بخش را سرکوب کند و با ضدمردمی‌ترین و مردم‌نشناس‌ترین حکومت‌های بیگانه با دموکراسی، از در سازش و عادی‌سازی روی هم بریزد. بازیگران نمایش اغتشاشات این‌بار در خصوص بمباران بیمارستان غزه واکنش عکس نشان داده و با عاملان آن عکس یادگاری انداخته‌اند و از آنها حمایت می‌کنند.

الگوی اعلایی که حاکمان سلطه‌گر غاصب رژیم ایالات‌متحده آن را برای جهان می‌خواهند و در منطقه‌ای که خود مرکز جهان می‌دانند برپا می‌کنند و نیروی نظامی مرکزی خود را برای شکل‌دهی به خاورمیانه نوین‌شان در حمایت از این الگو به منطقه روانه می‌کنند، همین است که آزادی را با سرکوب جنبش‌های آزادی‌بخش و دموکراسی را با همپیمانی با جنایتکارترین افراد دنبال می‌کند. گسترش دموکراسی با مردم‌نشناسان، آزادی‌بخشی با سرکوب آزادی‌خواهان و رواج دادوستد با تحریم و محاصره، سیاست آشکار امریکاست. ایالات‌متحده پس از بمباران بیمارستان در غزه خطاب به رژیم‌صهیونیستی می‌گوید: ما در ارزش‌های مشترک‌مان متحدیم!

۵.شاخ و برگ اسرائیل وقتی چیده می‌شود که ریشه امریکا از منطقه کنده شود

شیطان بزرگ امریکاست و اسرائیل نوک پیکان تیر این شیطان است. برای شناخت عمق برنامه‌های سلطه‌گران کافی است به اسرائیل چشم دوخت و برای قطع ید همیشگی ستم و این غده سرطانی باید شیطان بزرگ را هدف گرفت. آن تیری دست اسرائیل را قطع می‌کند که امریکا را هدف گرفته باشد. مرگ وقتی بر اسرائیل فرود می‌آید که فریاد مرگ بر امریکا فرا برود.

ساده‌انگاری است که نزاع غزه را به مسأله‌ای درون سرزمین‌های اشغالی تقلیل داد. طوفان‌الاقصی به اسرائیل سیلی زد، اما فریاد آن را امریکا کشید. این نشان می‌دهد اسرائیل دست از جنایت نخواهد کشید مگر دست امریکا از منطقه قطع شود، چون اساساً اسرائیل چیزی جز نام تجاری نمایندگی شیطان بزرگ نیست.

با هر سیلی در صورت اسرائیل، داد امریکا بلند می‌شود. این نشان می‌دهد شاخ و برگ اسرائیل وقتی چیده می‌شود که ریشه امریکا از منطقه کنده شود. اسرائیل نام تجاری نمایندگی ناب باند سیاسی سلطه‌جوی هیأت حاکمه غاصب رژیم ایالات‌متحده در مرکز جهان است.

امروز روشن‌تر از هر زمان دیگر است که چرا فلسطین مسأله اول جهان اسلام و امریکا دشمن اول جهان اسلام است. عمق نگاه امام هنوز بینش‌بخش امت مسلمان است که قضیه فلسطین را باید در صدر مسائل خود قرار داد ولی فریاد خود را سمت شیطان بزرگ روانه کرد. در شکل‌گیری نظم پیشین جهانی، قدرت نرم به اندازه قدرت سخت نقش داشت. امروز نیز اقدام نقطه‌زن نرم به همان اندازه مهم است.

«ماهیت پادگانی» رژیم‌صهیونیستی برای سلطه‌گری امریکا در منطقه‌ای است که خود آن را مرکز جهان می‌پندارد. پادگان رژیم‌صهیونیستی در میانه جهان، الگوی اعلای سلطه‌گری امریکا با دموکراسی‌ای است که بیمارستان را با موشک می‌زند.

دیگه چه خبر؟

دستگیری عوامل موساد در مرز افغانستان

خبر اول اینکه، در عملیات مشترک وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران و طالبان، ۳مأمور موساد با ملیت ایرانی در مناطق کوهستانی بین دو کشور دستگیر شدند. این سه مأمور موساد قصد داشتند پهپادهای انتحاری از سوی مرز افغانستان به سمت اهدافی در ایران پرتاب کنند. سه فرد دستگیرشده بزودی جهت بازجویی به ایران منتقل خواهند شد.

ثقتی هیچ سمتی در وزارت ارشاد نگرفته است

خبر دیگر اینکه، روز گذشته پژمان موسوی سردبیر ماهنامه تجربه در توئیتی مدعی شد رضا ثقتی مدیرکل سابق فرهنگ و ارشاد استان گیلان که به دلایل مسائل اخلاقی از کار برکنار شده بود، مجدداً در وزارت ارشاد حکم گرفته و در دفتر هماهنگی امور استان‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مشغول به کار شده است. موسوی با جزئیات کامل مدعی شده بود که ثقتی با حمایت و اصرار وزیر ارشاد مجدداً در وزارتخانه منصوب شده است. در واکنش به این ادعای موسوی، محمدمهدی سموعی رئیس مرکز روابط عمومی وزارت فرهنگ و ارشاد عنوان کرد: این ادعا کذب است و آقای پژمان موسوی سردبیر ماهنامه تجربه کاملاً دروغ‌پراکنی می‌کند. برکناری رضا ثقتی به دلیل فساد اخلاقی با امضای شخص وزیر ارشاد انجام گرفته و پس از آن ثقتی به هیچ مسئولیت جدیدی در وزارتخانه منصوب نشده است. سموعی همچنین توضیح داد: رضا ثقتی کارمند وزارت ارشاد است و چون پرونده قضایی دارد ما از وزارتخانه به قوه قضائیه نامه نوشتیم تا مقام قضایی پس از رسیدگی به جرایم آقای ثقتی تکلیف ما را روشن کند و این را بدانیم که انفصال از خدمات دولتی باید در مورد ثقتی انجام شود یا خیر.

متلک سنگین مهاجرانی به عبدالحمید

دست آخر اینکه، روز گذشته عبدالحمید اسماعیل‌زهی امام جماعت مسجد مکی زاهدان در واکنش به سخنرانی سید حسن نصرالله در روز جمعه، با وارونه‌نمایی سخنان دبیرکل حزب‌الله لبنان نوشت: «شعار دفاع از فلسطین با عمل فاصله دارد. مردم غزه و فلسطین به خداوند اعتماد و توجه کنند که بهترین فریادرس است.» به گزارش تسنیم، مولوی عبدالحمید بعد از عملیات طوفان‌الاقصی، در خطبه‌های نمازجمعه‌اش تلاش می‌کرد موضع حمایتی از اسرائیل داشته باشد و با بیان اینکه اسرائیل نابودشدنی نیست، از طرح دوکشوری که سال‌هاست به فراموشی سپرده شده، حمایت می‌کرد و از یک سال گذشته علناً رژیم صهیونیستی را به رسمیت شناخت! عطاءالله مهاجرانی فعال سیاسی ساکن لندن در واکنش به توئیت اخیر عبدالحمید علیه سید حسن نصرالله نوشت: «احسنت بر شما که دلسوز حماس و فلسطین و دشمن اسرائیل هستید و منتقد سید حسن نصرالله!» حزب‌الله لبنان تا به حال بیش از ۵۰ شهید در مواجهه با ارتش اسرائیل داده است. جنابعالی در زاهدان در دفاع از فلسطین مظلوم و علیه اسرائیل راهپیمایی کنید. همین حد انتظار می‌رود! به دوستانتان هم توصیه کنید که در ریاض و کابل و ابوظبی مناسب است تظاهرات بسیار آرامی به نفع فلسطین برگزار شود. پرچم اسرائیل هم بیاورند! حفظت شیئا و غابت عنک اشیاء. اگر راهپیمایی و تظاهرات به نفع فلسطین هم نکردند که نخواهند کرد، لااقل در این ایام به اسرائیل کمک نکنند.